یادداشت

ضرورت توجه به احداث خط آهن رشت – آستارا

محسن پاک آیین
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

در روزهای گذشته به دنبال تماس‌های تلفنی وزرای امور خارجه ایران و جمهوری آذربایجان و نمایش اراده طرفین برای بهبود مناسبات، تقویت همکاری‌های اقتصادی در اولویت قرار گرفته است. در این میان بدون تردید، احداث خط آهن رشت ـ آستارا اهمیت بسیاری برای پیشرفت در تعاملات اقتصادی دارد. در این ارتباط توجه به نکات زیر حائز اهمیت است. بنا به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، عملکرد ترانزیت کشور به استناد آمارهای وزارت راه و شهر سازی، عمدتا در بخش جاده‌ای بوده و بخش ریلی سهم قابل قبولی در عملکرد ترانزیتی نداشته است. کشور در چند سال گذشته، با روند نزولی میزان ترانزیت روبه‌رو بوده، به طوری که میزان کاهش در ۲سال گذشته به بیش از ۵۰ درصد رسیده است. فاصله وضع موجود با وضع مطلوب ترانزیت در طول دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که عدم استفاده از استعدادهای ترانزیتی کشور ریشه در عوامل دیگری غیر از تحریم‌ها و همه گیری کرونا داشته و ارتباط مستقیم و معناداری با نظام برنامه ریزی و مدیریتی کشور دارد. امروز کشورهای تولید کننده نفت و گاز به دنبال متنوع سازی اقتصاد و کاهش وابستگی خود به درآمدهای نفتی هستند و ایران و جمهوری آذربایجان نیز با این هدف و نظر، سرمایه گذاری در عرصه حمل و نقل منطقه را هدف قرار داده‌اند. جمهوری آذربایجان به عنوان دروازه قفقاز، مبتکر و شریک در ایجاد راه‌آهن باکو- تفلیس - قارص بوده و برای تبدیل کشور به قطب کلیدی حمل و نقل منطقه‌ای، بیش از ۲۰میلیارد دلار سرمایه اختصاص داده است. ایران نیز پل اتصال روسیه و قفقاز به آب‌های آزاد در خلیج فارس و دریای عمان است و مسیر ایران، امن ترین، نزدیک ترین و اقتصادی‌ترین مسیر حمل و نقل برای کشورهای پیرامونی می‌باشد. خط آهن رشت ـ آستارا از مهم ترین پروژه‌های ریلی کشور در جهت استفاده از کریدورهای بین‌المللی است. با اتصال خط آهن ایران به جمهوری آذربایجان، کریدور شمال-جنوب، معنای واقعی پیدا کرده و ترانزیت ریلی کشور دستخوش تحول بزرگی خواهد شد. ساخت راه آهن رشت- آستارا به طول ۱۶۴ کیلومتر و اتصال رشت به آستارا، تسهیل مبادلات بین بنادر شمالی و جنوبی کشور از طریق حمل و نقل ریلی را در پی خواهد داشت. در واقع ایجاد یک مسیر تمام ریلی در کریدور ترانزیتی شمال- جنوب، ارتباط مستقیم ریلی خلیج فارس و شبه قاره هند با کشورهای روسیه و آسیای میانه و قفقاز و کشورهای اروپائی ایجاد و امکان گسترش مبادلات تجاری و بازرگانی با کشورهای حاشیه دریای خزر، بنادر باتومی و پوتی در گرجستان، دریای سیاه و کشورهای اروپایی از جمله اهداف اصلی در احداث این محور است. میزان ترافیک پیش بینی شده در سال اول بهره برداری از محور رشت - آستارا حدود سه میلیون تن بار و ۲۰۰ هزار نفر مسافر می‌باشد که در سال های بعد به ۴ میلیون تن بار و ۵۰۰ هزار نفر مسافر افزایش خواهد یافت. از آن پس شرکت‌های بین المللی، حمل بار از مسیر ایران را ترجیح می‌دهند، چراکه از نظر زمان، هزینه و امنیت، این مسیر گزینه بهتری خواهد بود. مسیر ریلی رشت-آستارا حتی به کریدور «شرق-غرب» نیز معنا می‌بخشد و قطار کانتینری شانگهای- تهران را می‌توان از مسیر رشت - آستارا - تفلیس، راهی اروپا نمود. در حال حاضر محموله‌های چین با خط آهن تا بندر اوکتائو و از مسیر دریا به بندر باکو منتقل و از باکو نیز مجددا با خط آهن تا تفلیس و دریای سیاه جابه‌جا می‌شوند. احداث خط آهن رشت - آستارا نقش زیادی در افزایش تجارت بین المللی، منطقه‌ای و ترانزیت کالا و مسافر میان ایران و کشورهای منطقه و حتی فرامنطقه خواهد داشت و کشورهائی مثل آذربایجان و روسیه می توانند از کوتاه‌ترین مسیر به خلیج فارس و آب‌های آزاد متصل شده و در هزینه‌های خود نیز صرفه جوئی کنند. در حال حاضر از هندوستان و کشورهای اروپایی میلیون‌ها تن کالا در مدت ۶۰روز به حوزه قفقاز ترانزیت می‌شود که با تکمیل کریدور شمال -جنوب این مدت به ۱۰ تا ۱۴ روز کاهش می‌یابد. جمهوری آذربایجان، هشت کیلومتر از خط آهن در داخل این کشور را تا رودخانه مرزی آستاراچای احداث کرده است. قرار بود جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان هر یک ۵۰ درصد از بودجه حدود یک میلیارد دلاری این پروژه را تامین کنند. تکمیل این پروژه و اتصال ریلی دالان شمال به جنوب، مهم‌ترین محور مذاکره ایران، روسیه و جمهوری آذربایجان در اجلاس سه‌جانبه تهران بود. هر سه کشور به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد و ایجاد تنوع در حوزه‌های درآمدزا هستند و اتصال راه‌آهن‌های ایران، روسیه و جمهوری آذربایجان برای سه کشور دارای مزیت است. این اقدام، امکان اتصال جمهوری آذربایجان را به خلیج فارس فراهم کرده و روس‌ها هم می توانند از این مسیر برای انتقال کالاهای خود استفاده کنند. در عین حال تکمیل خط آهن رشت ـ آستارا موجب تبدیل کشورمان به مرکز گذر دالان‌های حمل‌ونقل منطقه‌ای و به تبع آن، کانون تحولات اقتصادی منطقه خواهد بود. امید است وزارت مسکن و شهرسازی با کمک وزارت امورخارجه ، این اقدام مهم را به منزله تکمیل آخرین حلقه اتصال کریدور شمال ـ جنوب در دستور کار قرار داده و تلاش کنند تا تکمیل این پروژه با تاخیر دیگری مواجه نشود.

دیدگاه

سیل اعتراضات مردم اصفهان

ادامه از صفحه اول / شکل گرفته در زاینده رود و مشکلات ایجاد شده به دلیل مدیریت ناکارآمد در این حوضه آبریز دیگر مرتبط با یک بخش و منطقه کشور نیست و مسئله زاینده رود به طور مستقیم با معیشت مردم ۴ استان اصفهان، چهارمحال و بختیاری، یزد و خوزستان گره خورده است. بیشتر آب زاینده رود برای مصرف آب شرب و کشاورزی در شهرها و روستاها در این استان‌ها استفاده می شود. باید توجه داشت که سرچشمه اصلی زاینده رود یعنی تونل کوهرنگ نیز در این بحران کم آبی و بارش کم برف و باران در سال گذشته خشک شده و بیش از ۲۰۰ روستا در استان چهار محال و بختیاری با تانکر آب رسانی می شوند. علاوه بر مشکلات یاد شده ناشی از سوءمدیریت و همچنین خشکسالی، اظهارات غیرمسئولانه مقامات عالی کشور در سال‌های گذشته زمینه خارج شدن مسأله از روند منطقی و تحریک شکاف‌های قومیتی را فراهم کرد. موضوعی که سهم قابل توجهی در حل نشدن مشکلات حوضه آبریز زاینده رود ایفا می‌نماید. مهرداد ویس کرمی نماینده مجلس و عضو کمیسون آموزش و تحقیقات در توئیت خود اعلام کرد که «تنش آبی حاصل سیطره طولانی مافیای آب بر مدیریت آب کشور است و راهکار اساسی در این زمینه تحقیق و تفحص از مافیای آب در وزارت نیرو است».مسئله مهم دیگر در سازوکار اجرائی حوضه آبریز زاینده رود بحث ساماندهی برداشت آب در استان‌های اصفهان، یزد و چهارمحال وبختیاری و خوزستان با رویکرد جلوگیری از برداشت‌های غیرمجاز است. تشکیل شورای هماهنگی حوضه آبریز زاینده رود با حضور استانداران اصفهان، چهارمحال و بختیاری، یزد و خوزستان به همراه تمامی متولیان مرتبط با این موضوع اعم از معاونان وزرای نیرو، جهاد کشاورزی، صنعت معدن و تجارت و همچنین نمایندگان اصناف کشاورزی و سایر ذینفعان منطقه تحت پوش این رودخانه باید در دستور کار قرار گیرد. تأسیس صندوق تأمین خسارت خشکسالی در حوضه آبریز زاینده رود می‌تواند تاثیر قابل توجهی در جلوگیری از نارضایتی اجتماعی داشته باشد. آب مورد نیاز صنایع بزرگ این استان‌ها نیز باید از منابع دیگری مانند تصفیه پساب‌ها و فاضلاب‌ها تأمین شود و آبیاری‌های سنتی جای خود را به آبیاری‌های تحت فشار بدهد. اعتراضات به تنش‌های آبی در استان‌های حوزه آبریز زاینده رود سال‌هاست که ادامه دارد و دولت باید با هماهنگی‌های لازم بین مسئولان و مردم این چهار استان و استفاده از نظرات علمی و کارشناسی، به این اعتراضات پایان دهد و راهکارهای مناسبی برای مدیریت مصرف آب این استان‌ها در نظر بگیرد و از بروز اختلافات و تنش‌ها جلوگیری نماید تا مردم و کشاورزان این استان‌ها به خواسته‌های خود برسند و مشکلات‌شان کاهش یابد.

محمدرضا خباز در گفت و گو با «آرمان ملی»:

با دولت سوم احمدی نژاد مواجه هستیم

- داماد سالاری به جای شایسته سالاری نشسته است
- رئیس جمهور فعلا نتوانسته به وعده‌ها عمل کند
- عملکرد مجلس با شعارهای داده شده فاصله دارد

آرمان ملی: دولت سیزدهم با وجود وعده‌های بسیار در حوزه‌های مختلف به‌ویژه بهبود وضع معیشتی مردم و حل مشکلات اقتصادی هنوز آطور که باید نتوانسته رضایت مردم را جلب کند. هنوز شاهد گلایه‌های مردم از افزایش قیمت‌ها و وضعیت زندگی‌شان هستیم. این در حالی است که دولت هنوز برنامه مدون و درستی برای حل و فصل مشکلات جامعه ارائه نداده است. از طرفی مجلس نیز به‌جای اینکه به دنبال تحقق وعده‌های خود باشد یا طرح صیانت از فضای مجازی را دنبال می کند یا به دنبال قانونی برای محدودیت حیوانات خانگی است. از همین رو است که دیده می‌شود با وجود گذشت قریب به ۱۰۰ روز از روی کار آمدن دولت و یک سال واندی از روی کار آمدن مجلس این قوه هنوز موفقیتی حاصل نکرده‌اند. در این راستا برای بررسی تحقق وعده‌های دولت و مجلس، عملکردهای این دو قوه و تاثیر آن بر به وجود آمدن نارضایتی‌های جامعه «آرمان ملی» با محمدرضا خباز استاندار سابق سمنان و فعال سیاسی اصلاح‌طلب به گفت و گو پرداخته است که می‌خوانید.

عملکرد مجلـــس را بر پایه‌های وعده داده شده اقتصادی و بهبود وضعیـــت معیشتی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگرچه مجلس با حداقل رای در طول تاریخ انقلاب تشکلیل شـده اسـت ولی همان حداقلی که به اینها رای دادند به امید شـعارهای آنها بود. اولین شعار و مهم‌ترین شـعار این بود که ما وضعیت معیشتی مردم را بهبود می بخشیم، جلوی تورم را می گیریم، رشد اقتصادی را به مردم تقدیم خواهیم کرد، بیکاری را کاهش خواهیم داد و... آنچه که مبتلا به مردم اسـت و بیش از ۳۰ میلیون نفر از مردم این کشور زیر خط فقر مطلق هستند اینها به امید اینکه امیدی باشـد رای دادند. ولی از روز اولی که بر صندلی های سـبز بهارستان نشسـتند تغییر موضع دادند به جای اینکه به معیشـت بپردازند به محدود کردن اختیارات مردم و محدود کردن حقوق شـهروندی پرداختند. طرح‌های فراوان غیر کارشناسی و مطالعه نشـده را مرتب ارائه دادند از جمله طرح صیانت از فضای مجازی در صورتی که این اسمش، اسم قشنگی است ولی محتوای آن نارساست. به جای صیانت، تخریب است. بنابراین پیش بینی می کنم به جز یکی دو تا کار مثبت که مجلس انجام داد که یکـی همان عدم رای اعتماد به وزراء پیشنهادی آموزش و پرورش بود، کار مثبتی که بشود از آن استفاده کرد و به عنوان افتخار به آن پرداخت انجام ندادند. برعکس هم چوب لای چرخ دولت گذشته گذاشتند و این دولت هم که انتخاب شد تا مدت سه ماه سکوت کردند ولی یکی پس از دیگری دارند لب به سخن می گشایند. بنابراین این مجلس هم با آن شـعارهایی که داده بود رفتارش متناسب نیست و در نظرسنجی‌ها ۷۸ درصد مردم از رفتارها و تصمیمات اقتصادی دولت جدید ناراحت و ناراضی هستند از مجلس به طریق اولی، امیدوارم اینها به تعهدی که دارند. گمان می کنم کسـی اگر قولی بدهد و به اسـتناد آن قول از مردم رایـی بگیرد و بعد به قولش عمل نکند ممکن است آن وکالت اشکال شرعی داشته باشد. چون شما قولی داده‌اید و مردم به استناد آن قول به شما رای داده‌اند حالا نه تنها به آن قول عمل نمی کنی و برعکس آن عمل می کنی و درصدد فرافکنی و فرار به جلو هسـتید ممکن است وکالت آقایان شبهه‌ناک باشد. یک راه به نظر من می‌رسد و آن هم این است که نمایندگان رسما یک اطلاعیه بدهند و یا هر کدام در حوزه انتخابیه خودشان از مردم خودشان در جلسه‌های عمومی عذرخواهی کنند و بگویند که یا تصور ما تصور غلطی بود و یا اینکه عده‌ای به ما اطلاعات غلط دادند و فکر می کردیم می‌توانیم به شما مردم خدمت کنیم الان که آمده‌ایم می‌بینیم که موانع خیلی سنگین‌تر از این حرف‌هاست و ما توان برداشتن این بار سـنگین را نداریم و از مردم پوزش می‌خواهیم شـاید عذرخواهی آنها از مردم باعث شـود، مقداری از عقوبت دنیا و آخرت آنها کم بشود.

سفرهای اسـتانی رئیس جمهور را تا چه حد موثر می‌دانید؟

رفتارهای آقای رئیس جمهور مشابه رفتارهای احمدی‌نژاد اسـت و من این دولت را دولت سـوم احمدی نژاد نامگذاری کرده‌ام. در آن زمان آقای احمدی نژاد دستش باز بود و خلاف قانون هم می‌کرد و بودجه‌ها را ابلاغ نمی کرد و وقتی به سـفر اسـتانی می‌رفت و قول‌هایی به مردم می‌داد دستش باز بود و وضع مملکت خوب بود و درآمد نفتی هم در اختیار داشت. رفتن احمدی نژاد یکسری آثاری برای کشور داشت ولی متاسفانه الان رفتن آقای رئیسی دردی از روی دل مردم بر نمی‌دارد بلکه همان هزینه رفت و آمد روی دوش بیت المال سنگینی می کند. معتقد هستم زمانی باید جایی رفت که بشود مشکلی را حل کرد. آقای رئیس جمهور به نظرم نتوانستند قول‌هایی را که در این سفرها دادند عمل بکنند. بهترین نمونه آن؛ با گذشـت سه ماه از سفر به استان سیستان و بلوچستان هیچ کدام از تصمیم‌های گرفته شده، عملی نشده است.

ارزیابی شما از عملکرد صد روزه دولت آقای رئیسی چگونه است؟

الان از زمان انتخاب آقای رئیسـی که قرار شد به نفع مردم تغییراتی به وجود بیاورند تورم بالای ۵۰ درصد شد، یعنی رکورد تورم طول انقلاب در این دولت شکسته شد الان تورم بالای ۵۴ درصد است. بورس سقوط آزاد کرد در حالی که ایشان می گفتند یک هفته‌ای بورس را حل می کنند. الان نزدیک صد روز از آغاز کار دولت گذشـته و بورس نه تنها حل نشده بلکه سقوط آزاد دارد. بنابراین در این صد روز اتفاقی نیفتاده مگر اینکه چیزهایی در ذهن ایشان است که در محاسبات ما نمی گنجد، محاسبات ما محاسبات عادی و معمولی کشور است. تا مشکل تحریم‌ها را حل نکنند و تا جلوی اختلاس‌ها را در همه سطوح چه رفقا و چه رقبا را نگیرند هیچ اتفاقی در کشور رخ نخواهد داد.

پس از سـخنان مقام معظم رهبـری در خصوص مهاجرت نخبگان؛ تحلیل‌های بسیاری در خصوص علل و چرایی این موضع مطرح شد؛ تبیین شما از این موضع چگونه است؟

مهاجرت و خروج افراد از کشور دلایل مختلفی دارد. ای کاش یک رسانه‌ای از جوانان این کشور نظرسنجی می کرد و مشاهده می‌شد که با کمال تاسف عده زیادی هستند که به مهاجرت فکر می کنند یا زمینه مهاجرت را فراهم کرده‌اند یا اگر فکر نمی کنند آرزویشان مهاجرت است و این به دلیل بعضی از سیاست‌های غلطی است که در کشور حاکم می‌شود. یکی از ده‌ها سیاست غلطی که در حال اعمال و اجراست، همین قوم و خویش سالاری است که یکی از دلایلی است که افراد نخبه احساس می کنند هر چقدر برجستگی و شایستگی داشته باشند نخواهند توانست در این کشور جایگاه شایسته‌ای را به دست آورند. بنابراین می گویند ما به جایی می‌رویم که هم ارزش علم را بداند و هم ارزش تجربه ما را آگاه باشد و ارزش قائل باشد. با کمال تاسف عده‌ای به دروغ در رسانه‌ها می گویند که در آینده نزدیک حتی آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به ایران مهاجرت خواهند کرد. مثل اینکه مسـابقه دروغ گویی است هر کس دروغ بزرگ‌تری بگوید، جایزه بیشتری خواهد گرفت. شما همین جوانان و مستعدین کشور خودتان را که با پول خودتان تحصیل کرده‌اند؛ نگه دارید، آمدن دیگران به داخل کشور پیشکش! اینها را اگر نگه دارید باعث می‌شود تا در آینده ایرانیانی که رفته‌اند احساس امنیت و آرامش کنند و به کشور خودمان باز گردند. وقتی کشور از نیروی انسانی تهی شد طبیعتا ما از بقیه معنویات و ارزش‌ها هم خدایی نکرده تهی خواهیم شد.

انتصاب‌های فامیلی چــه بازخوردهایی در جامعه خواهد داشت و چه تاثیراتی خواهد گذاشت؟

یکی از اتفاق‌ها به‌ویژه در سال‌های اخیر، این بود که هر کسی که مسئولیتی را می پذیرفت تلاش می کرد تا وابستگان خودش را اگرچه شرایط احراز آن پست را نداشتند در پست غیرشایسته منصوب کند. دلیل این کار را هم می گفتند ما به این‌ها اعتماد داریم و ما باید افراد مورد اعتماد خودمان را بیاوریم. این اعتراض را یادم است اول انقلاب در سال ۱۳۵۶ و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی این اعتراض را به حکومت پهلوی داشتیم. می گفتیم که رژیم پهلوی به وسـیله هزار فامیل اداره می‌شود؛ یعنی در کل کشور این هزار نفر هستند که در پست‌های مختلف می چرخند چه در نمایندگی مجلس، چه در وزراء، چه در ارکان نظامی‌ها و چه در پست‌ها و مدیریت‌های ارشـد کشور و این را به عنوان یک انتقاد شـدید به دولت قبل ابراز می کردیم. ولی متاسفانه بعد از انقلاب به صورت عمد ولـی کم کم این قدر افزایش پیدا کرده که دیگر نمی‌شـود این اعتراض را به حکومت قبلی کرد. بلکه باید به دست اندر کاران این نظام هم این اعتراض را داشت که شما چرا وقتی به دنبال مشاور و یا معاون هستید در خانواده خودتان جست‌وجو می کنید. متاسفانه معرفی بعضی از وزراء مثل وزیر آموزش و پرورش معرفی شده به مجلس از بستگان آقای رئیس جمهور بودند. این امر پسـندیده نیست بلکه یک رفتار بسیار نامناسب است و آثار بسیار منفی هم همراه خودش دارد. به همین دلیل تعدادی از رسانه‌های مستقل به این مسأله پرداخته‌اند و برخی با نهایت تاسف این مسأله را توجیه می کنند و این توجیه عذر بدتر از گناه است. شما اگر کسی را می‌خواهید در جامعه دنبالش بگردید، نـه در خانواده خودتان، بنابراین به جای شایسته سالاری، داماد سالاری، قوم و خویش سالاری و در یکی از وزارتخانه‌ها سه نفر از برادر زن‌های وزیر وارد وزارتخانه مطبوع خودش کرده است. اینها با شعارهای قبلی آقایان قبل از انتخابات منافات دارد و هم با عقل منافات دارد به این دلیل که گشتن در درون یک محدوده خانوادگی حتما ظلم به خانواده بزرگ ایران اسـت. کاری کرده‌اند که قبح این مسأله متاسفانه بریزد و بتوانند این روش نامطلوب را که ظلم به مدیریت کشور و نخبگان و اندیشـمندان این کشور اسـت را در داخل کشور رواج بدهند.

رئیس جمهـــور پس از روی کار آمدن بر فراجناحی بودن دولت تاکید داشـــت اما آنچه از دولت می‌بینیم بیش از فراجناحی بودن دولت اصولگرایان است؛ ارزیابی شما چیست؟

البته وقتی ایشان گفتند ما هم با خودمان گفتیم که از دیکته نانوشـته نمی‌توان ایراد گرفت. تا قبل از انتشار فهرست وزرای پیشنهادی به گفته ایشان خوش بین بودم ولی با انتشار نام وزراء با کمال تاسـف باید گفت که نه تنها مدیران کشور فراجناحی نیستند بلکه عین جناحی هستند و نه تنها جناحی تنها بعضا از تندروهای جناحی انتخاب شده‌اند و نه تنها تندروهای جناحی بلکه از کسانی انتخاب شـده‌اند که اصلا شایستگی این مقام ومنصب را ندارند. مثلا وزیر پیشـنهادی آموزش و پرورش که خوشـبختانه مجلس به آن رای اعتماد نداد هیچ سنخیتی با این مسند نداشـت. بنابراین این گفته آقای رئیسی که گفتند دولت سـیزدهم فرا جناحی خواهد بود ایشان می‌خواستند از آقای هاشمی رفسنجانی تبعیت کنند. آقای هاشمی رفسنجانی که گفتند من فراجناحی هستم در عمل هم این کار را کردند. یعنی در دولت ایشان هم اصولگرا و هم اصلاح‌طلب بود (اصولگرا و اصلاح‌طلب معتدل) ولی در این دولت به جز اصول گراها آن هم تعداد زیادی اصول گرای تند آن هـم اصول گرایان تندی که هیچ سـنخیت مدیریتی و تجربی و علمی با مسـند مورد انتخاب ندارند. مهم تر از همه اکثر آنها از یک دانشگاه انتخاب شده‌اند و آن هم دانشـگاه امام صادق. در مصاحبه‌های قبلی بعد از رای اعتماد مجلس به دولت و گفتم که مجلسی که این جور کابینه نامناسبی را برای کشـور انتخاب کرد به شش ماه نرسیده اعتراض‌های خودشان را علیه کابینه خواهند داشت. اما متاسـفانه اعتراض‌های ما به سـه ماه کاهـش پیدا کرد. ۲۲۰نماینده به آقای رئیسی نامه نوشتند که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند و همین نمایندگان شروع کردند به انتقاد کردن و به دو وزیر پیشنهادی ایشان هم رای ندادند که این دلیل بر این است که آقای رئیس جمهور نتوانستند به قول‌هایی که داده‌اند عمل کنند.

نوبت «سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی» شد

صیانت جدید؛ این بار کودکان!

چرا صیانت‌ها دارای جزئیات نیست؟

آرمان ملی – یاسمین طالقانی: هنوز طرح صیانت از کاربران در فضای مجازی به نتیجه نرسیده که نمایندگان پرونده دیگری را گشودند. سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی که از سال ۹۵ در مرکز ملی فضای مجازی تدوین شده بود، ۱۸ خرداد ۱۴۰۰ در شورای عالی فضای مجازی به تصویب نهایی رسید. ظاهرا برخی از واژه صیانت خوششان می‌آید و به حساسیت‌های جامعه به این کلمه که پس از مطرح شدن طرح صیانت از فضای مجلس ایجاد شد، آگاه نیستند. حالا بر سندی که نامش صیانت از کودکان در فضای مجازی است، تاکید می کنند. جالب اینجاست که دیروز اعلام شد اولین جلسه کارگروه اجرایی سازی «سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی» در مرکز ملی فضای مجازی برگزار شد و کلیات این سند مورد تایید تمامی دستگاه‌ها و سازمان‌های مربوطه قرار گرفت. آنطور که گفته شده در این جلسه در خصوص چگونگی تشکیل کمیته مدیریت، راهبری و تدوین مقررات عمومی، پیگیری اقدامات ضروری و وظایف دستگاه ها و تاکید بر مباحث کارگروه مقابله با آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی فضای مجازی تبادل نظر صورت گرفت.

چه افرادی در جلسه بودند؟

این جلسه با حضور مسئولان دستگاه‌های مرتبط همچون وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت دادگستری، حوزه علمیه قم، دادستانی، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان امور اجتماعی کشور، صدا و سیما، سازمان بهزیستی و اعضای حقیقی شورای عالی فضای مجازی برگزار شد. دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی در این جلسه گفت: سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی یکی از مهمترین سندهایی است که در راستای تاکیدات مقام معظم رهبری در مورد رها بودن فضای مجازی تدوین شده، چراکه بر آسیب پذیرترین بخش جامعه که کودکان هستند تاکید داشته و برای کاهش آسیب پذیری در این حوزه موثر است. دکتر سید ابوالحسن فیروزآبادی افزود: این سند حاصل مذاکرات متعدد با سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی ربط بوده و باید تمامی مسئولان همت کنند تا این مهم به انجام برسد تا بخش بزرگی از فضای مجازی که بصورت بسیار حساس نسل آینده ما را می‌سازد بیش از پیش امن و قابل استفاده شود و بتوانیم در برابر آسیب‌های فضای مجازی از کودکان و نوجوانان حفاظت کنیم. دکتر فیروزآبادی با تاکید بر اینکه سند صیانت نیاز به نگاه حمایتی دارد، تصریح کرد: می‌توان برای اجرای این سند از ظرفیت بسیاری از سازمان های فعال در این حوزه نیز استفاده کرد و مرکز ملی فضای مجازی از این همکاری استقبال می کند. وی با اشاره به مباحث محتوایی این سند تاکید کرد: باید به مساله بازی‌های فضای مجازی در حوزه کودکان توجه شده و همچنین نقش خانواده‌ها در این سند پررنگ‌تر شود.

ابهامات یک سند

توسعه محیط‌های صیانت شده در فضای مجازی، رده بندی محتوا و خدمات متناسب با سن و جنسیت و آمادگی جسمی. ارتقای سواد فضای مجازی و مهارت افزایی کودکان با ابزارهایی که در اختیار والدین قرار می گیرد، آگاه سازی و هوشیار سازی والدین و مربیان به دلیل نقش حمایتی که در این زمینه دارند، پیشگیری از ارائه محتوای خدمات مضر، برخورد قضائی با کسانی که علیه کودک و نوجوان اقدام مجرمانه انجام می‌دهند. مراقبت اجتماعی از کسانی که در این فضا آسیب دیده‌اند و یا در معرض خطر هستند؛ مشارکت محوری بخش خصوصی و در نهایت توسعه همکاری‌های بین المللی با کشورهای مختلفی که نسبت به این موضوع دغدغه دارند، ۹ سیاست کلانی است که برای محافظت از کودکان در برابر آسیب‌های احتمالی فضای مجازی مطرح شده است اما باز هم همان دغدغه محدودیت‌ها که درباره طرح صیانت بر فضای مجازی وجود دارد، درباره این سند وجود دارد به‌ویژه آنکه رده سنتی مشخصی دراین سند ذکر نشده و برخی که از طریق فضای مجازی به کسب درآمد مشغول هستند سن و سال کمی ندارند. از سوی دیگر مانند برخی دیکر از طرح‌ها که نام صیانت دارد، جزئیات این سند اعلام نشده و برخی چنین مطرح می کنند که طرح چنین موضوعاتی برای منحرف کردن ذهن جامعه از معضلات معیشتی و اجتماعی است.

گفـت و شنـود

عباس موسایی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب مطرح کرد:

بحران آب ناشی از خشکی حکمرانی

بحران آب، بحران در مقوله سیاست و حکمرانی است

عباس موسایی، فعال سیاسی اصلاح طلب مشکلات آبـی و اعتراضات مـردم خوزسـتان، چهارمحال و بختیاری و اصفهان درسالیان اخیر را علاوه بر کاهش نزولات جوی، ناشی از مدیریت نادرست، بخشی‌نگری مدیران درسالیان متمادی، غلبه منطقه‌گرایی بر نگاه کلان ملی و بی‌توجهی به اصول زیست محیطی در حکمرانی و سیاست گذاری‌ها ارزیابی کرد و اظهار داشت: کمبود آب و اعتراضاتی که پیرامون آن در سالیان اخیر در جلگه خوزستان و اخیراً اصفهان به عنوان پایاب و چهارمحال و بختیاری بعنوان سراب رخ داده است، را بدون ارجاع به مبانی و مولفه‌های گوناگون بر سازنده و شکل دهنده‌ی آن نمی‌توان علت یابی و در نتیجه درمان کرد. هر چند با کاهش نزولات جوی نسبت به گذشته مواجهیم، اما این کاهش در نتیجه مدیریت‌های متمادی نادرست گذشته و انباشت سیاست‌های غلط، به شکل کنونی آفتابی شده و خود را نمایان ساخته‌اند. با استناد به نظریات متخصصان محیط زیست، صنعت، شهرسازی و... می‌توان گفت بحران امروز آب در مناطق مذکور (اگر نتوان آن را بحران نامید، از جوانب مختلف تا رسیدن به بحران، فاصله زیادی ندارد)، نتیجه سیاست گذاری های نادرست است. در زمینه‌های مختلف، نگاه سیاست زده، غیر کارشناسانه، ضد محیط زیستی و منطقه گرایانه، مبنای تصمیم گیری‌ها بوده است. به عبارتی این بحران، قبل ازهر چیز بحران در مقوله‌ی سیاست و حکمرانی است. از این رو می‌توان علت العللِ مصائب را به سیاست ارجاع داد؛ به عبارتی فقدانِ تکوین سیاست در معنای مدرن آن به معنای مصلحت عمومی و امر ملیِ معطوف به کشور و ملت و غلبه سیاست از جنس سیاست در مشرق زمین، به معنای رام سازی . وی در گفت و گو با عصر ما افزود: شکل گیری دولت ملی در ایران، نهضت مشروطه و تدوین قانون اساسی و سپس انقلاب اسلامی و شکل گیری جمهوری اسلامی و... هر چند به شکل گیری نهادهای تمدنی جدید در ایران و گذر از منطق و مناسبات گذشته، مدد رسانید، اما در فقدان شکل گیری مفهوم و ساختار ملت- کشور- دولت، به معنای مدرن آن، حکمرانیِ معطوف به امر ملی، قربانی نظریه‌ها و کنش‌های فرا ملی امت گرایانه و فروملی منطقه گرایانه قرار گرفت و آنچه مصالح و منافع کشور و ملت ایران بوده را با چالش‌های اساسی مواجه کرده است. پیرامون مضرات نگرش‌ها و سیاست‌های فراملی گرایانه و تاثیرات آن بر منافع ملی، در سالیان اخیر سخنان زیادی گفته شده است که در اینجا از آن می گذریم. نگرش منطقه گرایانه‌ای که با چشم پوشی از اصول زیست محیطی در مناطق مختلف، بدقوارگی صنعتی، شهری و کمبود آب بعنوان نیاز اصلی و مبنای حیات و زندگی جوامع انسانی است، را به دنبال داشته و مصالح و منافع کشور و ملت ایران بوده را با چالش‌های اساسی مواجه کرده است.هرگونه مدرنیزاسیون بخشی نگرانه، در فقدان سیاست ملی، به مدرن شدگی بدقواره(به تعبیر دکتر حمید رضا جلائی پور) منجر می‌شود. توسعه در سطح ملی، نیازمند فهم و رویکرد ملی است. نمی‌توان توسعه در یک منطقه از کشور را بی‌التفات به عواقبی که برای محیط زیست و امنیت همان منطقه و سایر مناطق کشور در پی دارد، تعریف کرد. این رویکرد اگر در کوتاه مدت نتیجه بخش باشد، در دراز مدت به بحران در زیست اجتماعی منجر خواهد شد. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب، راه حل را نه در رویکرد دستوری مقامات که در بازشناسی مبانی بحران و توقف گام نهادن در بیراهه‌های ضد مصالح ملی ارزیابی کرده و می گوید؛ حل بحران آب با دستورات فوری امکان پذیر نیست. بدون بازشناسی مبانی مشکلاتی که در سالیان متمادی و بی‌التفات به مصالح کلان ملی شکل گرفته است و بی توجه به عواقبی که برای امنیت ملی می‌تواند در پی دارد، ادامه می‌یابد، نمی‌توان از آن‌ها عبور کرد. راهبرد درست سیاست گذاری صحیح بر اساس منطق مصالح ملی است؛ بدان معنا که با محور قرار دادن این اصل، با اولویت اصول زیست محیطی مورد پذیرش نهادهای بین المللی و محیط‌های آکادمیک، تصمیمات، اقدامات و تاسیسات ناشی از نابخردی‌های ضد محیط زیستی در استان‌های مذکور متوقف شده و بر اساس اصول حکمرانی ملی، محیط زیست، زندگی، امنیت ومعیشت کلیت این خطه از سرزمین ایران، سامان و سازماندهی شود. به زبان دیگر می‌توان گفت که نگرش ملی به این بحران، پاد زهر مشکلات کنونی است و بدون عقب نشینی از تصمیمات نادرست ناشی از فقدان امر ملی در تصمیمات گذشته، دستورات فوری، جلسات چند جانبه و... راه به جایی نخواهد برد. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب، محیط زیست، امنیت، معیشت و... خوزستان، اصفهان و چهارمحال و بختیاری را بشدت متأثر و وابسته به هم توصیف کرد و افزود؛ ایجاد دوگانه‌های منطقه‌ای و قومیتی و شکل دادن فضای تقابل دستاوردی برای هیچ کس نداشته و صرفاً بر پیچیدگی‌ها و مصائب کنونی می‌افزاید. لازم است که نخبگان، دانشگاه‌ها و... با محور قرار دادن ایران و مصالح کلان آن، این حیطه را از رقابت‌های سیاسی، تعصبات و... خارج کرده و خیر عمومی، کاهش تنش‌ها و حل مسائل را در اولویت قرار دهند. عضو حزب توسعه ملی، افزود: زاینده‌رود و کارون متعلق به کشور – ملت ایران‌اند. همه شهروندان ایران از جمله خوزستانی‌های عزیز، از جاری شدن آب در شهر گنبدهای فیروزه‌ای، سی‌وسه پل و پل خواجو، احساس لذت و شادمانی می کنند، همچنانکه اصفهانی‌های شیرین زبان، از خروش کارون پر پیچ و خم احساس شادمانی دارند. و مردمان چهارمحال و بختیاری، عشق و علاقه خود به ایران، از جمله اصفهان و خوزستان را بارها در تاریخ به اثبات رسانیده‌اند. هر نوع سیاست و راهبردی که منافع و مصالح اصفهان، چهارمحال بختیاری و خوزستان را از قاب و قالبی ملی، به میدانی منطقه‌ای و قومیتی، سوق دهد، مسیری ضد منافع و امنیت کلیت ساکنان ایران را پیموده است. از طرفی توسعه همه جانبه در مناطق مختلف بر اساس ظرفیت‌های آن منطقه، رفع نگاه های تبعیض آمیز و مقررات توسعه ستیز و... می تواند مسیر عبور از مصائب باشد.